

قرآن‌شناسی حضرت زهراءؑ بر پایه خطبه فدکیه

* محمدجواد اسکندرلو
** نرگس کاظمی ترکمن

چکیده

یکی از شاخصه‌های کلام معصومان استناد به آیات قرآن است. کلام حضرت زهراءؑ در ماجراهی فدک در حقیقت، گونه‌ای از تفسیر آیات قرآن در ابعاد گوناگون معارف قرآنی به شمار می‌آید.

حضرت زهراءؑ نطق آتشین خویش را با کمال شجاعت، در مقابل چندین هزار جمعیت و با مضامین قرآنی به پایان رسانید.

یکی از ابعاد ناشناخته حضرت زهراءؑ ویژگی‌های قرآن در خطبه فدکیه است. در خطبه با ارزش می‌توان به ویژگی‌های گوناگون قرآنی ذکر شده از جمله: گویایی قرآن، صداقت در قرآن، روشنایی قرآن و ... اشاره کرد. این پژوهش از پژوهش‌های حاضر با عنوان قرآن‌شناسی فاطمی بر پایه خطبه فدکیه از پژوهش‌های کاربردی در حوزه معارف قرآن است که با استمداد از اسناد نوشتاری و کتابخانه‌ای به پردازش داده‌ها پرداخته است. از نتایج به دست آمده این تحقیق بیان ویژگی‌های قرآنی در خطبه فدکیه است که حضرت زهراءؑ علاوه بر مطالبه حق غصب شده خویش، سعی در روشنگری معارف الهی دارد.

واژگان کلیدی

قرآن، حضرت زهراءؑ، خطبه فدکیه.

mj_eskandarlo@miu.ac.ir

*. استاد گروه علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه.

n.kazemitorkaman@gmail.com
۱۴۰۲/۴/۲۲ تاریخ پذیرش:

**. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی دانشگاه معارف (نویسنده مسئول).

۱۴۰۱/۱۱/۲۰ تاریخ دریافت:

طرح مسئله

بعد از رحلت پیامبر اسلام حکم مصادره سرزمین «فَدْكٌ» که از روی مصالح مهمی از سوی حضرت محمد ﷺ به دخترش فاطمه زینب و اگذار شده بود، از طرف نظام حاکم صادر شد. فاطمه زینب که می‌دید این تجاوز آشکار، توام با نادیده گرفتن بسیاری از احکام اسلام در این رابطه، جامعه اسلامی را گرفتار یک انحراف شدید از تعالیم اسلام و سنت پیامبر ﷺ و گرایش به برنامه‌های جاهلی می‌کند و از سوی دیگر مقدمه‌ای برای خانه نشین کردن امیر مومنان علیه السلام، به دفاع از حق خویش در مقابل غاصبان «فَدْكٌ» پرداخت، و با تمام وجودش خواستار بازگشت این حق مغضوب شد. حضرت زهرا زینب برخاست و با جمعی از زنان بنی هاشم به مسجد آمد تا در برابر توهه‌های مسلمان، و سران مهاجر و انصار گفتنی‌ها را بگوید و اتمام حجت کند و بهانه‌های ادامه این غصب عجیب، و مصادره ظالمانه را، از دستگاه حکومت وقت بگیرد و در ضمن، صفوف وفاداران به اسلام را از حامیان سیاست‌های تجاوز کارانه آشکار سازد.

ایشان بی‌اعتنای به جوسازی خاصی که در این زمینه شده بود، و پیامدهای احتمالی این افشاگری بزرگ، به برنامه خود ادامه داد، و به بهانه غصب «فَدْكٌ» خطبه‌ای در مسجد پیامبر ﷺ در برابر مهاجرین ایراد کرد که بسیاری از حقائق در آن افشا شد. نهاده شدن نام «فَدْكِيَّةٌ» حضرت زهرا زینب صرفاً بیانگر جهت صدور این خطبه را بیان می‌کند و محتوای این سخنرانی شامل خداشناسی، پیامبر‌شناسی، قرآن‌شناسی، امامت‌شناسی و آنچنان عمیق و گسترده است که موضوع غصب فدک در برابر عمق و گسترده‌گی آن جز «بهانه‌ای» به نظر نمی‌آید.

در بیان مسائل، حضرت فاطمه زینب ابتدا ضروری می‌بیند تا جایگاه قرآن در اندیشه و عمل مسلمین را تبیین کند. در این پژوهش نگارنده به این سوال اساسی مبنی بر اینکه ویژگی‌های قرآن کریم از منظر حضرت زهرا زینب در خطبه فدکیه چیست؟ پاسخ می‌دهد

ویژگی‌های قرآن کریم از نگاه حضرت زهرا زینب

۱. گویایی قرآن

اینکه حضرت زهرا زینب می‌فرماید: کتاب خدا گویایست؛ یعنی آنچه خداوند اراده کرده است کاملاً پیداست و مطالبش گنگ و نارسا نیست؛ چنان‌که خود قرآن در این مورد می‌فرماید: «هَذَا كِتَابٌ نَّا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ؛^۱ این کتاب ما است که به حق یا شما سخن می‌گوید».

معنای (ینطق علیکم) آن است که: برای شما صحبت می‌کند. مراد از نطق، نوشته‌هایی است که با چشم دیده می‌شود و مطالب را بازگو می‌نماید. یعنی مطلب را فهمانده است.

جمله «هذا کتابنا یَنْطَقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ» جزو کلام خدای متعالی است، نه کلام ملائکه و خطابی است که خدای متعالی در روز جمع، یعنی روز قیامت، به اهل جمع می‌کند و امروز آن را در قرآن برای ما حکایت کرده، در نتیجه معنایش این می‌شود: «يَقَالُ لَهُمْ هَذَا كَتَابُنَا» یعنی «این کتاب ما است» از این نظر بوده که نامه اعمال به امر خدای متعالی نوشته می‌شود و چون گفتیم نامه اعمال لوح محفوظ نیز هست، به عنوان احترام آن را «كتاب ما» خواند.^۱

۲. صداقت در قرآن

در قرآن هیچ کذب و خلاف واقعی وجود ندارد زیرا همان‌طور که باطل در قرآن راه ندارد و کذب از اقسام باطل است پس سخن قرآن در هر عرصه و ساحتی صدق محسض است. قرآن محصول فکر و ذهن بشریت نیست که احتمال خطا و کذب در آن راه داشته باشد، بلکه وحی الهی و کلام پروردگار است که به هر چیز دانا و بر همه چیز احاطه دارد. «وَأَقْرَآنُ الصَّادِقُ» در این فراز قرآن به صفت «صادق» متصف شده است الیته انسان‌ها در برابر این کلام صادق دو گروه اند: برخی تکذیبیش می‌کنند و گروهی تصدیق کنندگانند. آنانی که تکذیب می‌کنند روزی صدق آن برایشان آشکار می‌شود؛ زیرا صدق برخی از مطالب قرآن با گسترش دانش بشر و رشد عقلانی و صدق وعده‌ها و وعیدهایش در روز واپسین ثابت و آشکار می‌گردد.^۲ چنان که می‌فرمایید: «هَذِهِ التَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ يَهَا تُكَذِّبُونَ»؛^۳ (به آنها می‌گویند) این همان آتشی است که آن را انکار می‌کردید.

«كِتَابُ اللَّهِ الظَّاهِقُ، وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ» نطق به قرآن مجید به اعتبارات مختلف متفاوت می‌شود زمانی که انسان قرآن را قرائت می‌کند از دریای معارف آن بر می‌دارد و بر دانش او افزوده می‌شود از این جهت قرآن ناطق است گویا خدای متعالی با او سخن می‌گوید این‌گونه نیست که انسان با مراجعه قرآن دست خالی بازگردد از سوی دیگر هنگامی که قرآن را بسته بگذارد و از معارف الاهی آن بهره نبرد به تنها ای مسائل آن روشن نمی‌شود زیرا برخی مسائل نیازمند مبین و مفسر است.^۴ قرآن شریف تنها کتاب تربیت و تزکیه نفووس نیست بلکه احکام و قوانین حتمیه سیاسی و امور اقتصادی و اجتماعی و مسائل حکومتی

۱. طباطبایی، «المیزان»، ج ۱۸، ص ۱۷۸.

۲. مجید فقیهی، «قرآن‌شناسی (پرتوی از نور فاطمه)»، ص ۴۰.

۳. طور / ۱۴.

۴. مصباح یزدی، «رساترین دادخواهی و روشگری»، ج ۱، ص ۳۵۹.

انسان‌ها را در بر می‌گیرد و انسان را برای ساختن خودش و جامعه‌اش مهیا می‌گردان و با اینکه چهارده قرن است که قرآن نازل شده و تقریباً به تمام زبان‌ها ترجمه شده است هنوز کسی نتوانسته به طور منطقی و معقول از آن نقطه ضعفی بگیرد هر چند دشمنان اسلام سعی داشتن قرآن را تنها کتابی معرفی کنند که به درد زندگی انسان در قرون جدید نمی‌خورد اما در این کار شکست خوردند.^۱

۳. فروزنده‌گی قرآن

قرآن مجید کتاب را به نور تعبیر کرده که انسان با ایمان و دستیابی به آن به صراط مستقیم هدایت می‌شود «الثُّورُ السَّاطِعُ». حضرت زهراء^{علیها السلام} استناد می‌کند به آیه قرآن که می‌فرماید: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ * يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مِنَ الْأَيَّلِ بَعْ رَضْوَانَهُ سُبْلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى الثُّورِ يَإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۳ از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. خدا به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راههای سلامت، هدایت می‌کند و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد و آنها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید». این آیه اشاره به اهمیت و عظمت قرآن مجید و اثرات عمیق آن در هدایت و تربیت بشر دارد و می‌گوید: «از طرف خدا نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد». «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ».

همان نوری که خدا به وسیله آن کسانی را که دربی کسب خشنودی هستند به راه سلامت هدایت می‌کند. «يَهُدِي يَهُ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَ رَضْوَانَهُ سُبْلَ السَّلَامِ» و علاوه بر این آنها را از انواع ظلمت‌ها و تاریکی‌ها «ظلمت شرک، ظلمت جهل، ظلمت پراکندگی و نفاق و ...».»

«وَيُحْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ يَأْذِنُهُ» به سوی نور توحید، علم، اتحاد رهبری می‌کند و از همه گذشته آنها را به جاده مستقیم که هیچ‌گونه کجی در آن از نظر اعتقاد و برنامه عملی نیست هدایت می‌نماید. «وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» نور در آیه فوق به معنی قرآن است بنا بر عطف کتاب مبین بر نور.^۳ امیر المؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «النُّورُ الْمُقْتَدِيُّ بِهِ»^۴ قرآن نوری است که همه باید از آن اطاعت کنند. نور ساطع قرآن مجید، نوری است جهانی که از نور خدا نشئت می‌گیرد و انسان‌هایی که طالب نور هستند آن را جزء در محتوای قرآن نخواهند یافت زیرا که قرآن چکیده و جوهر هدایت بشر از

۱. اللہیاری، سخنرانی حضرت فاطمہؓ در مسجد پیامبر ﷺ، ص ۲۶۱.

.۱۵ - ۱۶ / مائدہ ۲

^۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۲۱.

٤. شريف رضي، نهج البلاغة، خ ١٥٨، ص ٢٩٥.

جانب خالق هستی است. بنابراین همه انسان‌ها به خدای متعالی، معاد و نبوت ایمان دارند و می‌خواهند به نیکی‌ها و حیات بین بر سند باید پیرو آن نوری باشند که از قرآن ساطع گشته است.^۱

۴. روشنابخشی قرآن

ویژگی دیگر قرآن، نور و ضیاء است نور و ضیاء هر دو به معنای روشنایی است و تفاوت آن در این است که «ضیاء» آن روشنی است که از خود شیء نورانی می‌تابد ولی «نور» معنایش عام‌تر است و به روشنایی‌ای که از دیگری گرفته شده است نیز گفته می‌شود^۲ حضرت زهرا[ؑ] می‌فرماید: «وَالضِّيَاءُ الْأَلَّامُ» مقصود همان روشنایی درخششده است، که حیات انسان که توأم با جهل و گمراحتی و ظلم و تباہی و طغیان بشر را روشن کند تا انسان بتواند مسیر خود را انتخاب نماید. همان‌طور که حضرت زهرا[ؑ] استناد می‌کند به آیه قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا»^۳ او کسی است که خورشید را روشنایی و ماه را نور قرار داد.

«ضیاء لامع» همان روشنایی تابنده و درخششده است که زوایای تاریک و ظلمانی حیات توأم با جهل و کفر و تباہی و ستم و طغیان بشر را روشن می‌کند تا انسان بتواند در پرتو این نور جاودانی راه خود را به سوی رشد و کمال بازیابد.^۴

۵. بصیرت‌دهی قرآن

در آیات قرآن بصر مقدمه و وسیله‌ای برای اندیشیدن است. زیرا این تفکر باعث می‌شود به طور تدریجی پاره‌ای از حقایق را درک کند و این همان بهترین عبادت است. خدای تعالی در آیه ۱۳ سوره آل عمران به اولی الابصار اشاره می‌کند و آنها کسانی می‌داند که از هرحداده و اتفاقی عبرت می‌گیرند و هر جریانی برای آنها شناخت و بصیرت ایجاد می‌کند.

حضرت زهرا[ؑ] در فرازی از خطبه می‌فرماید: «بَيْنَةٌ بَصَائِرٌ». بصیرت به معنی بینایی دل است^۵ یعنی با چشم دل دیده و فهمیده شود. قرآن مجید همانند سایر کتب آسمانی کتاب هدایت و بصیرت برای همه افراد. این بصیرت واضح و روشن است برای اینکه همه بتوانند آن را درک کنند. در این فراز حضرت زهرا[ؑ]

۱. اللهيارى، سخنوارنى حضرت فاطمه[ؑ] در مسجد پیامبر[ؐ]، ص ۲۶۴.

۲. مجذ فقیهی، قرآن‌شناسی (پرتوی از نور فاطمه[ؑ])، ص ۴۱.

۳. یونس / ۵.

۴. اللهيارى، سخنوارنى حضرت فاطمه[ؑ] در مسجد پیامبر[ؐ]، ص ۲۶۵.

۵. قرشی بنایی، «مدخل بصر»، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۹۵..

استناد می‌کند به آیه: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا»^۱ از طرف پروردگارたن برای شما آمد؛ کسی که (به وسیله آن، حق را) ببیند، به سود خود اوست و کسی که از دیدن آن چشم بپوشد، به زیان خودش هست. دلایل آشکار و روشن از جانب پروردگار برای شما آورده شده است تا هدایت را از ضلالت تمیز دهید و حق را از باطل جدا کنید. اینکه می‌گوید: دلایل آشکار به سوی شما آمد، به منظور عظمت بخشیدن به آن است.^۲

۶. ذو بطون قرآن

بطن قرآن یکی از سطوح لایه‌های معنایی قرآن را تشکیل می‌دهد که برای همه قابل فهم نیست. بطن قرآن علاوه بر اینکه سبب طراوت و جاودانگی کلام خدا می‌شود موجب برداشت‌ها و فهم‌های متفاوت می‌شود که همان تفسیرهای گوناگون می‌باشد.

حضرت زهراء[ؑ] در فراز دیگری می‌فرماید: «مُنْكَشِفَةُ سَرَائِرٍ». باطن‌های قرآنی ظاهر و منکشف است. برای باطن معانی مختلفی وضع شده ممکن است مراد از باطن قرآن در مقابل ظاهر و ممکن است مراد چند باطن یعنی معانی مخفی یک‌یک آیات که جز اهلش آنها را در نمی‌یابد. مراد از انکشاف باطن انکشاف در نزد اهلش است که عبارت‌اند از اهل‌بیت رسول اکرم[ؐ].

در این بخش حضرت زهراء[ؑ] استناد می‌کند به آیه: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا يِهِ كُلُّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا»^۳ جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند. (آنها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی) می‌گویند: ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست. منظور از تأویل در قرآن آیاتی است که اسرار و معانی عمیقی دارد، منتهای افرادی که افکارشان منحرف است و اغراض فاسدی دارند از پیش خود، تفسیر و معنی نادرستی برای آن ساخته و برای اغفال خود یا دیگران، روی آن تکیه می‌کنند. بنابراین منظور از جمله «وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ» این است که آنها می‌خواهند تأویل آیات را به شکلی غیر از آنچه هست منعکس سازند (و ابتغاء تاویله علی خلاف الحق).^۴

۱. انعام / ۱۰۴.

۲. طبرسی، مجمع‌البيان، ج ۴، ص ۵۳۴.

۳. حسینی زنجانی، شرح خطبه حضرت زهراء[ؑ]، ص ۳۲۴.

۴. آل عمران / ۷.

۵. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۳۸.

امام باقر^ع یا امام صادق^ع در مورد راسخان در علم می‌فرمایند:

فَرَسُولُ اللَّهِ أَفْضُلُ الرَّسِّيْخِينَ فِي الْعِلْمِ قَدْ عَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَمِيعَ مَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مِنَ التَّشْرِيْلِ وَالْتَّأْوِيلِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُنْزِلَ عَلَيْهِ شَيْئًا لَمْ يُعْلَمْ مَتَّأْوِيلُهُ وَأَوْصِيَاؤُهُ مِنْ بَعْدِهِ يَعْلَمُونَهُ كُلَّهُ.^۱

پیامبر خدا^ع بزرگ ترین راسخان در علم بود و تمام آنچه را خدا بر او نازل کرده بود از تاویل و تنزیل قرآن می‌دانست، خدای عزوجل هرگز چیزی بر او نازل نکرد که تاویل آن را به او تعلیم نکند و او و اوصیای وی همه اینها را می‌دانستند.

۷. قابل فهم بودن ظاهر قرآن

ظاهر قرآن کریم برای عموم مردم قابل فهم است. یعنی عموم مردم حتی غیر معصومان توانایی فهم ظاهر و معنای ابتدایی آیات قرآن را دارند. ظاهر قرآن برای همگان حجت است و موظفند به ارشادات و دستورات قرآن عمل کنند.

قرآن کریم در چند جا مطرح می‌کند که ما قرآن را به زبان عربی که واضح و آشکار است نازل کردیم به این جهت که شما در آن اندیشه کنید. بنابراین قرآن کریم قابل فهم و اندیشه است. «مُتَجَلِّيَةٌ طَوَاهِرٌ». ظاهر ضد باطن است. ظاهر یعنی چیزی که آشکار و قابل ادراک است اما باطن یعنی چیزی که پنهان است و قابل ادراک نیست.

۸. اطاعت از قرآن باعث رسیدن به رضوان الاهی

حضرت زهرا^ع معتقد است که پیروی و اطاعت از قرآن مجید انسان را به سوی رضوان می‌برد و پیروی کردند از قرآن همان پیروی از همه احکام و پیروی از عترت است و می‌فرماید: «قَائِدًا إِلَى الرَّضْوَانِ الْبَاعِثُ» در این فراز صدیقه طاهره^ع استناد می‌کند به آیه:

فَاقْتَلُوا يَنْعِمَةً مِنَ اللَّهِ وَفَضُلَّهُ لَمْ يَمْسِسْهُمْ سُوءٌ وَآتَيْوْا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ.^۲

به همین جهت، آنها (از این میدان)، با نعمت و فضل پروردگارشان، بازگشتند؛ در حالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید و از رضای خدا، پیروی کردند و خدای متعال دارای فضل و بخشش بزرگی است.

«فَاقْتَلُوا»: یعنی پیغمبر و همراهانش برگشتند.

«يَنْعِمَةً مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ»: یعنی با سلامت از هر ناراحتی و رنج و با تجارت سود بخش.

۱. کلینی، *الكافی*، ج ۱، ص ۲۱.

۲. آل عمران / ۱۷۴.

«لَمْ يَمْسِسْهُمْ سُوءٌ»: یعنی قتل و گفته‌اند مراد از نعمت در اینجا ثبات قدم در راه دین و اطاعت خداست و مراد از فضل سود تجاری است.

«وَأَبْيَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ»: یعنی خشنودی خدا را با خروج خود بسوی دشمن تحصیل و پیروی کردند.

«وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ»: یعنی خدا بر مردم مؤمن فضیل عظیم دارد.^۱

اتباع از رضوان الاهی هدایت‌کننده به راه‌های سلامت و آرامش و خارج شدن از تاریکی به سوی نور و راه یافتن به صراط مستقیم است.^۲

همچنین حضرت زهراء[ؑ] به آیه دیگری استناد می‌کند: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ»؛^۳ هم خدا از آنها خشنود است، و هم آنها از خدا خشنودند.

۹. رستگار بخشی استماع قرآن

گوش دادن به قرآن انسان را نجات می‌دهد اما گوش دادنی که آدمی را به تعقل و تفکر در آیات سوق دهد. حضرت زهراء[ؑ] می‌فرماید: «مُؤْدِّ إِلَى التَّجَاءُ أَسْتِمَاعُهُ» ایشان از تعبیر «استماع» استفاده می‌کند نه «سماع» زیرا «سماع» مطلق شنیدن است گرچه بی‌توجه و بدون تأمل. اما «استماع» شنیدن همراه با تأمل و تدبیر است.^۴ چنان‌که حضرت زهراء[ؑ] در این فراز استناد می‌کند به آیه: «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لِعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۵ هنگامی که قرآن خوانده شود، گوش فرا دهید و خاموش شوید؛ شاید مشمول رحمت خدا قرار گرفتید. «انصات» سکوت توأم با استماع است و بعضی گفته‌اند: به معنای استماع با سکوت است و معنای «أنصت الحديث و انصت للحديث» این است که به حدیث گوش می‌داد در حالی که سکوت کرده بود.^۶

گوش دادن به آیات قرآن آن‌چنان در هدایت و تغییر روحیه کافران جاهلیت تأثیر داشت که مستکبران و ائمه کفر گوش دادن به آن منع نمودند و سفارش کردند که هنگام تلاوت قرآن اخلاق کنند تا صدای آن به گوش کسی نرسد.^۷

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۸۹.

۲. اللهیاری، سخنرانی حضرت فاطمه[ؑ] در مسجد پیامبر اکرم^{علیه السلام}، ص ۲۷۲..

۳. مائده / ۱۱۹.

۴. رضوانی، دین‌شناسی از دیدگاه فاطمه زهراء[ؑ]، ص ۱۱۶.

۵. اعراف / ۲۰۴.

۶. طباطبایی، المیزان، ج ۸، ص ۳۸۲.

۷. اللهیاری، سخنرانی حضرت فاطمه[ؑ] در مسجد پیامبر اکرم^{علیه السلام}، ص ۲۷۴.

۱۰. قرآن و سیله اتصال به حجج الاهی

پروردگار عالمیان برای هدایت بشر حجت‌های نورانی را عرضه می‌کند و برای رسیدن به آن تنها باید تمسک کرد به قرآن. حضرت زهرا^ع می‌فرماید: «بِإِنَّا لُّهُمَا مُّنَّوْرٌ» انسان با قرآن می‌توان به حجت‌های روشنگری دست پیدا کند چنان روشنگری‌ای که دیگر عذری باقی نگذارد؛ خواه حجت‌هایی که ذات اقدس الاهی به پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} وحی فرموده و یا حجت‌هایی که پیامبران دیگر الهام فرموده مانند ابراهیم خلیل^{علیه السلام}^۱ که حضرت استناد می‌دهد به آیه: «فُلْفَلَةُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَا كُمْ أَجْمَعِينَ»^۲ بگو: دلیل رسا (و قاطع) برای خداست (دلیلی که برای هیچ‌کس بهانه‌ای باقی نمی‌گذارد) و اگر او بخواهد، همه شما را (به اجبار) هدایت می‌کند». «فُلْفَلَةُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» هرگاه اینها از اثبات گفتار خود عاجز شدند، به آنها بگو: دلیل آشکار و صحیح که مصحح احکام باشد، پیش خدا است. «حجت» به معنای قصد اثبات حکم و «بالغه» یعنی به حدی رسیده است که عذری باقی نمی‌گذارد. پس «حجۃ بالغہ» آن دلیلی است که هر کس به آن متول شود، هرگونه شک و شبھه‌ای را ریشه کن می‌کند. حجت خدا صحیح و رسانست، زیرا او حجتش بر حق و مفید علم است.^۳

خدا اسباب تکوینیه و تشریعیه را از هر جهت برای بندگانش فراهم فرموده؛ اما تکوینیه عقل و شعور و ادراک و فهم به همه عنایت فرموده، حواس ظاهره و باطنیه از هر جهت تمام است چشم، گوش، زبان قوه، قدرت، حیات، سایر نعم تمامًا موجود و اسباب تشریعیه ارسال رسول و انزال کتب و بیان احکام آنچه موجب سعادت دنیا و آخرت است و آنچه باعث نجات از مهالک دنیوی و اخروی است عنایت فرموده و راه عذری بر احدی باقی نگذاشته این است حجت بالغه.^۴

۱۱. قرآن مبین احکام الاهی

حضرت زهرا^ع در ادامه خطبه می‌فرماید: «وَعَزَائِمُهُ الْمَفْسَرَةُ». عزیمت در لغت عبارت است از مصمم شدن به انجام کاری و جدی شدن کار. این عبارت عطف به جمله «حجج اللہ المُنَورَة» شده و معنای عبارت این می‌شود به وسیله قرآن می‌توان به تفسیر احکام حتمی دست یافت. عزائم همان فرائض و واجبات الاهی است که به تعبیر حضرت زهرا^ع فرائض الهی در قرآن شرح و تفسیر شده و اگر حکم

۱. حسینی زنجانی، شرح خطبه حضرت زهرا^ع، ص ۳۲۸.

۲. انعام / ۱۴۹.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۸۸.

۴. طیب، اطیب البیان، ج ۵، ص ۲۳۶.

فرضیه‌ای در آیه‌ای به اجمال آمده آیاتی دیگر به تفصیل و شرح آن پرداخته‌اند.^۱ واجبات خدای متعالی زمینه‌ساز هدایت بشر و نیازمند تفسیر است «وَعَزَّاً يَمُّهُ الْمُفْسَرُ».

به وسیله قرآن می‌توان به شرایع و احکام رسید که اینها حتمی و غیرقابل نسخ هستند و محرمات منع شده و دلیل‌های ظاهر و برهان‌های کافی دست یافت با آن می‌توان به فضائل مورد پسند و امور جایز و بخشیده شده و قوانین حتمیه الهی دست یافت.

به وسیله قرآن، محرمات خدا شناخته می‌شود و انسان می‌تواند به دلیل‌های و برهان‌ها روشن تکیه کند. «وَمَحَارِمُهُ الْمُحَدَّرَةُ، وَبَيَانَاهُ الْجَالِيَةُ، وَبَرَاهِينُهُ الْكَافِيَةُ، وَفَضَائِلُهُ الْمَنْدُوَةُ، وَرُحْصُهُ الْمَوْهُوبَةُ، وَشَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ».

تمامی احکام شرع در قرآن مجید دارای اصل و ریشه است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم با قرآن در ارتباط هستند اسلام سرشار از احکام و قوانین و دستورات شرعی است که برای افراد و اجتماع وضع شده و افراد علاوه بر انجام وظایف و تکالیف پنج گانه واجب، حرام، مستحب، مکروه، مباح وظایف دیگری هم در امور عبادی، سیاسی، اقتصادی و ... دارند که استناد داده می‌شود به آیه:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى
وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَرَفَّوْا فِيهِ.^۲

آیینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید.

با این فراز سخنان صدیقه طاهره[ؑ] در مورد قرآن به پایان می‌رسد.

نتیجه

حضرت زهرا[ؑ] در خطبه خویش ویژگی‌های قرآن را بیان می‌کند که قرآن کتاب ناطق است و به صراحة با شما سخن می‌گوید، همه حقایق در آن نهفته شده است. قرآن مجید کتابی است که هم خود نورانی است و هم دیگران را از نور خود از ظلمت به روشنایی می‌رساند و تاریکی را بر می‌دارد نوری تابیده شده است که گستردۀ زمین را فرا می‌گیرد و زوایای تاریک زندگی انسان را روشن می‌سازد ویژگی دیگری که حضرت زهرا[ؑ] به آن اشاره می‌فرماید: بصیرت‌های قرآنی است که هیچ‌گونه ابهام و پیچیدگی در آن راه

۱. اللهيارى، سخنرانی حضرت فاطمه[ؑ] در مسجد پامبر[ؑ]، ص ۲۷۷.

۲. سورى / ۱۳.

ندارد و قابل درک برای همه بشر است. حضرت زهرا^س که خود به تاویل آیات قرآن آشنایی دارد و از راسخان در علم است. یکی دیگر از ویژگی‌های قرآن را آشکار شدن اسرار قرآن می‌داند و معتقد است که بعضی از آیات به وسیله بعض دیگر تفسیر می‌شوند (آیات محكم و متشابه) از این طریق قرآن برای همه قابل درک است. ایشان بعد اشاره می‌فرماید: تبعیت از قرآن باعث رسیدن به رضوان می‌شود که در راه رشد و کمال انسان بسیار مؤثر است آنگاه به گوش دادن قرآن تاکید می‌کند که منجر به هدایت و نجات بشر می‌شود و افرادی که به قرآن عمل می‌کنند به حجتی روشن دست می‌یابند. حضرت زهرا^س در آخرین قسمت این بخش ارزشمند اصل و اساسی را برای قرآن معرفی می‌کند که باعث رشد و هدایت انسان‌ها می‌شود و در شناخت دقیق فنون و علوم قرآن مؤثر است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- اللہیاری، علیرضا، سخنرانی حضرت فاطمه^س در مسجد پامبر اکرم^{علیه السلام}، تهران، مؤلف، ۱۳۶۶، چ ۱.
- حسینی زنجانی، سید عزالدین، شرح خطبه حضرت زهرا^س، به کوشش سید محمد حسینی زنجانی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
- رضوانی، علی‌اصغر، دین‌شناسی از دیدگاه فاطمه زهرا^س، قم، دلیل ما، چ ۳، ۱۳۸۹.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰ - ۲، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو، چ ۳، ۱۳۷۲.
- طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان، ج ۱۴ - ۴، تهران، اسلام، چ ۴، ۱۳۷۸.
- قرشی بنایی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۷ - ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۶، ۱۴۱۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۸ - ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷.
- مجذ فقیهی، محمد علی، قرآن‌شناسی پرتوی از نور فاطمه^س، تهران، حکمت و اندیشه، ۱۳۹۴.
- مصباح‌یزدی، محمد تقی، رسائلین دادخواهی و روشنگری، ج ۲ - ۱، تدوین عباس گرایی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{ره}، چ ۱، ۱۳۹۱.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۱، ۱۳۷۴.

